یاء

جناب افشار علیه بهآء اللّه

٢۴ رجب سنهٴ ١٣٠٨

بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مالک ملک و ملکوت را لایق که از کلمهٴ علیا حقایق وجود را بطراز اقبال و قلوب را بنور معرفت منوّر و مزیّن فرمود امروز الحمد للّه آفتاب توحید حقیقی از افق ارادهٴ الهی اشراق نموده ولکن متوهّمین باینمقام نرسند و فائز نشوند از حقّ بطلبید وجوه و قلوب را خالصاً لوجهه تأیید فرماید بشأنیکه امور حادثهٴ دنیا و زخرف و الوان آن از افق اعلایش منع نفرماید و بر دین مبین مستقیم دارد انّه هو المقتدر علی ما یشآء لا اله الّا هو الفرد الواحد العلیم الحکیم

 دستخطّ عالی که بمثابهٴ انائی بود که حامل عطر محبّت بود چون ختمش گشوده شد عرفش ساحت وجود را معطّر نمود حمد خدا را تأیید عطا فرمود و باسباب لا تحصی توفیق عرفان و اقبال و توجّه کرم نمود جودش وجود را موجود نمود و بصراط عدلش دلالت فرمود بعد از توجّه وقرائت و فرح و انبساط قصد بساط اعلی و ذروهٴ علیا نموده امام وجه مالک اسما بعد از اذن عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة بعد الاصغآء قوله جلّ بیانه و عزّ برهانه و لا اله غیره

بسمی الّذی به ماج بحر علم اللّه المهیمن القیّوم

یا ایّها النّاظر الی الوجه و النّاطق بین العباد قل یا ملأ الارض تاللّه الحقّ انّ النّدآء ارتفع من سجن عکّآء انّه ندآء مات فی حسرة اصغآئه خلق کثیر یشهد بذلک لسانی فیهذا المقام العزیز البدیع هذا یوم فیه ماج بحر بیان اللّه ربّ العالمین طوبی لمن اقبل و شرب باسمه العزیز الکریم قل یا قوم لا تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل الّذی زیّن اللّه بذکره دیباج کتبه و صحفه و لوحه المقدّس العزیز المنیر ضعوا ما عندکم مقبلین الی الافق الاعلی و کسّروا اصنام الاوهام بجنود الحکمة و البیان هذا خیر لکم عمّا عندکم کذلک نطق اللّسان فیملکوت البیان طوبی للسّامعین

 یا ایّها الطّائر فیهوآئی بهمّت تمام غافلین را بافق دانائی هدایت نما طوبی از برای صدریکه از نقشها و قصصهای قبل مقدّس شده بامّ الکتاب اقبال نمود امروز فرات حکمت و بیان از یمین عرش رحمن جاری و از خزینهٴ قلم اعلی لئالی علم و جواهر عرفان ظاهر و باهر بگو ای قوم انصاف دهید و خود را باقوال کذبۀ نالایقه و قصصهای جعلیّه میالائید قسم بآفتاب عرفان که از اعلی افق بیان مشرق و لائح از اوّل عالم الی حین شبه اینظهور ظاهر نه اوست مکلّم طور که بر عرش ظهور مستوی اوست نَبأیکه در کتب قبل ذکرش مذکور و انبیا و رسل احزاب را بظهورش بشارت داده‌اند خذوا یا قوم کتاب اللّه بقوّة من عنده و لا تکونوا من الغافلین قد قُدّر للمقبلین من لدی اللّه ربّ العالمین ما عجزت الالسن و الاقلام عن ذکره و احصآئه اتّقوا اللّه ثمّ اقبلوا بوجوه بیضآء امراً من هذا الآمر الحکیم

 یا میم علیک بهآئی و عنایتی انصر امر اللّه بجنود الحکمة و البیان و بما یقرّب النّاس الی افقه العزیز البدیع انّه یکون معک و یؤیّدک بسلطانه و یمدّک بجنوده انّه علی کلّ شیئ قدیر طوبی لقلمک بما جری منه ما فاز بطراز القبول رحمة من لدی اللّه العزیز الحمید امور حزب شیعه نزد آنجناب معلوم فی ‌الحقیقه آنچه ذکر نمودی سبب اقبال و هدایت ناس است لو تکونوا من المنصفین اینمظلوم بقدرت و قوّت الهی امام وجوه اعالی و ادانی من‌ غیر ستر و حجاب ذکر نمود آنچه را که سبب هدایت و نجات و راحت خلق بوده منع مانعین و سطوت ظالمین او را از اظهار اسرار منع ننمود در جمیع احوال بنصایح و مواعظ تکلّم نمودیم و چون تجلّیّات انوار نیّر برهان از آفاق قلوب اشراق نمود کل بر اطفاء آن نور ساطع لائح قیام نمودند الّا من شآء اللّه مع آنکه در کتب و صحف و زبر و الواح نزاع و فساد و جدال را منع نمودیم و بآنچه سبب نجات و تقرّب الی اللّه و افعال طیّبه و اخلاق مرضیّه بود امر فرمودیم سبحان‌ اللّه مع آنکه آفتاب حقیقت مشرق و لائح و بحر علم و معرفت موّاج و انهر عنایت جاری و سدرهٴ مبارکهٴ مقدّسه ناطق کل محجوب مشاهده میگردند مگر قلیلی و قلیل من عبادی الشّکور قل یا قوم اتّقوا اللّه و لا تتّبعوا اهوائکم اتّبعوا من اتیکم بسلطان مبین

 در مدینهٴ کبیره معدودی بر عناد قیام نموده‌اند و بتضییع کلمهٴ علیا مشغول نفسیکه چهل سنه و ازید در ظلّ قباب عظمت ساکن و مستریح الیوم با معدودی متّحد و بظلم لا حدّ له ظاهر هر یوم عمل نموده‌اند آنچه را که سبب احزان مقرّبین و مقدّسین بوده از مفتریات جنودی اخذ نموده‌اند و از اکاذیب صفوفی و بمحاربه مشغولند کذلک اظهر اللّه خافیة صدورهم و خائنة اعینهم جناب افنان الف و حاء علیه بهآئی و عنایتی باین شطر توجّه نمود از عقب بسیّالهٴ برقیّه خبر دادند که سیّد احمد و من معه مبلغی نقد و همچنین اوراق نقدیّه سرقت نموده‌اند و بعکّا رفته‌اند و جناب افنان کبیر علیه بهآء اللّه الابهی که در این ارض جز اعتکاف خیالی نداشته و ندارند در بارهٴ ایشانهم نوشته‌اند آنچه را که خود گواهی میدهند بر کذبش این امور ظاهر شد تا کل یحیی را بشناسند و بر آنچه بر اینمظلوم وارد شده آگاه گردند اسرار سورهٴ لقمن در این ایّام ظاهر و مشهود ولکن این امور و امثال آن معدوم صرف بوده و هست ذکرش نظر بحکمت بالغه است تا اولیا بیابند و بشناسند قل یا قوم تاللّه انّ السّدرة تنطق و النّار تتکلّم و النّور یذکر و ینادی قد اتی محبوب من فی السّموات و الارضین عند ذلک ارتفع النّدآء من کلّ الجهات طوبی لک یا عکّآء بما جعلک اللّه مشرق وحیه و مطلع الهامه و شرّفک بقدومه و نعیماً لک یا عکّآء بما ارتفع فیک النّدآء و ظهر ما کان مکنوناً مخزوناً فی العلم و مستوراً عن الابصار

 منتسبین هر یک را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بآیات منزله از سماء احدیّه بشارت ده تا کل از ما عند القوم خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند و بما عند اللّه توجّه کنند البهآء المشرق من افق سمآء العطآء علیک و علی من معک و یحبّک و یسمع قولک فی هذا الامر الّذی جعله اللّه مقدّساً عن الشّبه و المثل و جعله طالعاً مشرقاً من افق الفضل لمن فی السّموات و الارضین انتهی

 صد هزار شکر مقصود عالمیان را که بنفحات آیات افئده و قلوب را مستعد فرمود و الفت بخشید سبحانه سبحانه له العظمة و الاقتدار و القدرة و الاختیار اوست قادریکه صدور مخلصین را بنور عنایت منوّر نمود و قلوب را بحرارت محبّت مشتعل داشت این اشتعال را تأثیرهاست حزبی را بمشهد فدا میفرستد و برخی را بر سریر انقطاع مقر عطا میفرماید در لیالی و ایّام لسان عظمت بما یؤلّف القلوب ناطق چه بسیار از شبها که عین عظمت حبّاً لاولیآئه نیاسود و نوم اخذش ننمود آیات بمثابۀ غیث هاطل نازل سبحان‌ اللّه بی‌انصافهای عالم الی حین غافل و محجوب نار سدره و نار نفس و هوی را امتیاز نمیدهند سجیّتهم الاعراض و عملهم الاغماض فی ‌الحقیقه حیرت اندر حیرتست حزب فرقان بکتاب اللّه متمسّک و کل مشاهده نموده‌اند و قرائت کرده‌اند و اصحاب روح علیه سلام اللّه و بهآئه بانجیل متمسّک و کل دیده‌اند که جمیع بیان آن مبیّن علیم از جزوی تجاوز نمینماید و حال در هر حین نازل میشود آنچه که اقلام عالم از تحریرش عاجز و السن امم از احصایش قاصر حال بکمال عجز عرض مینمایم

 الها محبوبا کریما رحیما عبادت را خلق نمودی و از برای معرفتت از عدم بوجود آوردی حال محروم منما توئی آن صانعیکه صنایع عالم و الاسباب الظّاهرة بین الامم کل بر توانائیت گواهند و بعنایت و فضلت مقر و معترف اگر ایشانرا منع نمائی من الّذی یعترف باقتدارک و یقرّ باختیارک ای پروردگار شهادت میدهد هر ذی ‌درایتی بر قدرت و سلطنت و عظمت تو اولیائت را بایادی کرم از طین اوهام نجات ده و بجنود وحی و الهامت حفظ فرما توئی توانا و عالم و دانا

 اظهار شکر و خلوص و فنا و نیستی که تلقاء ظهور مکلّم طور روح من فیملکوت الامر و الخلق لذکره الفدآء نمودید فی ‌الحقیقه عرف انقطاع و صفا و خضوع و خشوع و وفا از آن متضوّع و بعد از عرض اینفقره در ساحت امنع اقدس این بیان از لسان محبوب عالمیان ظاهر و مشرق قوله عزّ بیانه و عزّ برهانه

بسمی الظّاهر امام الوجوه

یا ایّها الطّائر فیهوآئی و النّاظر الی افقی و المتوجّه بانوار وجهی و النّاطق بثنآئی و المتمسّک بحبل عطآئی اسمع ندآئی فیهذا الیوم الّذی سُمّی بیوم اللّه فی الزّبر و الالواح قل یا قوم اسمعوا اسمعوا قد ارتفع النّدآء من شطر عکّآء و ماج بحر البیان امام وجوه الادیان و اشرق نیّر البرهان بنور خضعت عند ظهوره الانوار یا قوم اتّقوا اللّه ثمّ انصفوا فیما ظهر بالحقّ انّه یجذبکم الی اعلی المقام یا قوم لا تنکروا حجّة اللّه و برهانه اقبلوا بالقلوب الی اللّه ربّ الارباب انّا سمعنا ما نادیت به اللّه و وجدنا منه عرف حبّک و اقبالک و توجّهک الی العزیز الوهّاب سبحان ‌اللّه حزب فرقان بشهادت ما ظهر من لسان العظمة ولکنّه رسول اللّه و خاتم النّبیّین نفحات وحی و فوحات الهام بعد از آنحضرت منقطع است و اینکلمهٴ مبارکه منتهی میشود بقوله تعالی یوم یقوم النّاس لربّ العالمین بشهادت فرقان یوم یوم اللّه است و ظهور ظهور اللّه مع‌ ذلک احدی ادراک ننموده مطلع جهل و کذب و نزاع و فساد گفته سورهٴ توحید را باید ترجمه نمود چه که بابیها بربوبیّت و الوهیّت قائلند بگو یا قوم انصاف دهید اگر نفحات وحی منقطع هادی عباد کِه و کِه بوده اگر قول مخبر صادق را اصغا مینمائید بعد از خاتمیّت ظهور اللّه است و جمیع کتب بر این شاهد و گواه و همچنین گفته‌اند دعائیکه در اسحار ماه مبارک رمضان قرائت میشود و باین اسم مزیّن ترک آن لازم مع آنکه بقول او بشارت داده‌اند که اسم اعظم در این دعا موجود و مذکور جمیع عالم را آیات و ظهورات و اشارات اینظهور اعظم احاطه نموده مع ‌ذلک قوم بما عندهم از ما عند اللّه محجوب باری فضیلت این دعا را انکار نموده‌اند و قرائتش را نهی کرده‌اند اینست شأن علما دیگر شأن جهلا معلوم نشهد انّهم هم الجهلآء و ما دونهم افضل منهم نقطهٴ اولی روح ما سواه فداه میفرماید انّه ینطق فیکلّ شأن انّنی انا اللّه لا اله الّا انا ربّ کلّشیئ و انّ ما دونی خلقی ان یا خلقی ایّای فاعبدون در اوّل بیان ذکر من یظهر را بآنچه ذکر شد بیان فرموده طوبی للنّاظرین و للفائزین یا ایّها النّاظر الی الوجه بر شما و بر کل لازمست که زمام امر را باذن اللّه اخذ نمائید شاید اینحزب باوهام حزب قبل مبتلا نشوند این از افضل اعمال نزد غنیّ متعال مذکور انتهی

 ذکر جناب آقا میرزا احمد علیه بهآء اللّه را نمودند بعد از عرض در افق اعلی این آیات از افق ارادۀ الهی اشراق نمود قوله تبارک و تعالی یا احمد آذان عالم از برای اصغاء این ندا خلق شد این ندا نوری است ساطع دوستان را آگاه کند و راه نماید و ناری است مشتعل یک تجلّی از تجلّیات آن بر سدرهٴ طور زد ندای انّنی انا اللّه مرتفع و بر روح زد از عالم جسم و جسمانی قصد مقام ابدی نمود و فلک چهارم مقرّ استوا شد یا احمد یوم اللّه را ندانستند و از آفتاب حقیقت محرومند امّا حزب شیعه چه میگویند اگر اعمال مطابق اقوال بود ثمرش کو و اگر سدرهٴ اقبال غرس شد اوراق و افنانش کو یوم یقوم النّاس را قرائت مینمایند و از آن محرومند اقرء ما انزله الرّحمن فی الفرقان انّها ان تک مثقال حبّة من خردل فتکن فی صخرة او فی السّموات او فی الارض یأت بها اللّه انّ اللّه لطیف خبیر یا احمد فرعون ایّام با سیف بغضا از خلف سحاب بیرون آمده البتّه تفصیل را شنیده مظلوم آفاق کل را وصیّت مینماید بر حفظ عباد که شاید مجدّد سبحات اوهام حائل نشود و مردم را از تجلّیات نیّر ظهور منع ننماید انّه علی کلّ شیئ قدیر قل یا قوم خافوا اللّه قد ظهر ما لا ظهر فی الابداع و اتی من کان مرقوماً من القلم الاعلی ضعوا ما عند القوم مقبلین الی اللّه المهیمن القیّوم نسئل اللّه ان یؤیّدک و یوفّقک علی ما یحبّ و یرضی انّه ولیّ المحسنین قل

 لک الحمد یا الهی بما جری اسمی من قلمک اشهد انّک ظهرت و اظهرت ما کان مخزوناً فی العلم و مکنوناً فی کنز عصمتک انّک انت المقتدر القدیر اسئلک یا مقصود العالم و محیی الامم بالنّور الّذی ما منعته حجبات الامم ان تؤیّدنی علی القیام علی خدمتک و نصرة امرک بالحکمة و البیان انّک انت العلیم الحکیم

 اینعبد هم خدمت ایشان تکبیر و ثنا و ذکر و بها عرض مینماید امید آنکه حجبات خلق را باصبع استقامت خرق نمایند شاید فائز شوند بآنچه که از برای آن بطراز وجود مزیّن شده‌اند الامر بید اللّه ربّنا و ربّکم و ربّ العرش العظیم

 و امّا در بارهٴ طبع للّه الحمد بقبول فائز حضرت غصن اللّه الاعظم روحی و ذاتی لتراب قدومه الفدآء حسب الامر ملاحظه فرمودند فی ‌الحقیقه نادانی و گمراهی حزب قبل از آنچه ذکر شد واضح و هویدا طوبی لمن انصف فیما ظهر و طوبی للفائزین البهآء و الذّکر و الثّنآء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبّکم و یسمع قولکم فی اثبات ظهور اللّه ربّ العالمین

 در این حین خادم بحضور فائز قد اقبل الیه جمال القدم و قال نحبّ ان نذکر ابن من احبّنی الّذی اقبل و فاز و ورد و اخذ و شرب کوثر البیان من ید عطآء ربّه مالک الانام انّا ذکرناه من قبل و فی هذا الحین و نشهد انّه من الفائزین یا محمّد علیک بهآء اللّه کبّر علیه من قبلی و بشّره بعنایتی انّه فاز بالقیام الّذی اخبر به الفرقان یوم یقوم النّاس لربّ العالمین انتهی

 اینعبد هم خدمت ایشان تکبیر و بها میرساند و از مشرق عنایت عنایت کبری از برای ایشان طلب مینماید انّ ربّنا هو السّامع و هو المجیب و هو العزیز الحمید و فاز ما ارسله بطراز القبول فضلاً من لدن ربّنا و ربّکم و ربّ هذا السّجن المعمور البهآء و الذّکر و الثّنآء علیک مرّة اخری و علیه و علی کلّ صبّار شکور

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ مارس ۲۰۲۵، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر